

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

بهرام رحمانی
۱۸ فبروری ۲۰۱۵

اگر مارکس زنده بود باز هم می گفت: «مذهب افیون توده هاست!»

(بخش دوازدهم)

همه واقعیت‌های تاریخی، حاکی از آن است که کسب و کار دایمی گردانندگان همه مذاهب، ترویج و تبلیغ جهل و جنایت و ترور بوده است. به عبارت دیگر، بنابراین، جنایاتی که امروز گروه‌های اسلامی تروریستی همچون بوکو حرام، القاعده، جبهه النصر، حزب‌الله، حماس، داعش، طالبان و یا حکومت‌هایی همچون حکومت اسلامی عربستان، عراق، لیبیا، حکومت اسلامی و...، علیه بشریت مرتکب می‌شوند به معنای واقعی همان عملکردهای محمد و علی را تکرار می‌کنند. با این تفاوت آن‌ها ۱۵۰۰ سال پیش مرتکب این جنایات شدند و پایه‌های دینی را در دوران بربریت بشر بنا گذاشتند که امروز در عصر مدرن و اوایل قرن بیست و یکم، گروه‌ها و حکومت‌های اسلامی، آن اهداف و سیاست‌های دوران بربریت و وحشی‌گری را تکرار می‌کنند شرم تاریخ و بشریت هستند! در واقع ۱۵۰۰ سال پیش جانشینان محمد، فتواها و گفته‌های جنایت‌کارانه او را در کتابی به نام «قرآن» جمع‌آوری کردند و با اختصاص بودجه‌های کلان، صدها حدیث و رساله روحانیون این خرافات و جنایات او را تکرار و بازتولید کرده‌اند. مذهب علاوه بر این همه خرافات و جنایاتش علیه بشریت، در عین حال بازار بسیار پرسودی برای دستگاه روحانیت و مشتی مفتخور و تبهکار است. بنابراین، پایه و اساس دین اسلام با ترویج و تبلیغ جهل و جنایت و ترور ساخته شده است!

با نگاهی به سیاست‌ها و اهداف و عملکردهای محمد و یاران و جانشینان او و همچنین به کتابی به نام «قرآن» که پس از مرگ محمد جمع‌آوری شد به سادگی به این نتیجه می‌رسیم که اسلام، ایدئولوژی بربریت و وحشی‌گری است. کشتن انسان از مکررترین و مهم‌ترین موضوعات اشاره شده در قرآن است. هر جا مشرکان را یافتید به قتل رسانید و از شهر هایشان برانید. (بقره، ۱۹۱)

ای مؤمنان کافران را بکشید که در زمین فتنه و فساد دیگری نماند و آئین همه دین خدا گردد. (انفال، ۳۹)

شما مؤمنان چون با کافران روبرو شدید باید آنان را گردن زنید. (محمد)

شمار آیه‌های خشونت‌آمیز، که در ارتباط با کشتن، عذاب و شکنجه دادن، قتل عام کردن است از ۷۰۰ آیه تجاوز می‌کند.

بیش از ۵۰ درصد از ۳۰۰۰ مجموع آیه‌های باقی‌مانده قرآن نیز به نوعی در ارتباط با آیه‌های خشونت‌آمیز هستند.

در بیش از ۵۰ آیه از قرآن تأکید می‌شود که از من بترسید: و از من بترسید اگر اهل ایمانید. (آل عمران/ ۱۷۵)
در قرآن لغت هلاک کردن ۷۳ بار در بیش از ۶۰ آیه به اشکال مختلف آن به کار رفته است.
همچنین لغت عذاب به معنی مجازات و شکنجه به تعداد ۳۶۵ مرتبه در مجموع بیش از ۳۰۰ آیه در اشکال مختلف آن به کار رفته است

در قرآن آیاتی با لحن ملایمی، وجود دارد. اما این آیه‌ها، مربوط به دورانی است که محمد مردم را به دین خود دعوت می‌کند و هنوز قدرتی ندارد. اما هنگامی که او کمی قدرت می‌گیرد لحنش خشن‌تر می‌گردد. او نه تنها مخالفان خود را با زبان زخمی و خشونت‌آمیز تهدید می‌کند، بلکه کسانی که از پذیرش دین او سر باز می‌زدند نیز با تهدیدهای او مواجه می‌شدند.

البته ناگفته نماند محمد همه این آیه‌ها را از موجود ناشناخته‌ای به نام «خدا» می‌آورد تا خودش را مافوق بشر نشان دهد. در حالی که خدا ساخته و پرداخته ذهن خود شخص محمد بوده و وجود خارجی نداشته و ندارد.
به این ترتیب دین اسلام، مظهر خشونت، تبعص، غارت، جنگ و کشتار است. علاوه بر اسلام دین‌های دیگر نیز مانند مسیحیت و یهودیت و غیره همین ماهیت ارتجاعی را دارند و در دوران‌هایی از تاریخ، مرتکب جنایات بی‌شماری علیه بشریت شده‌اند. بنابراین، کسانی که از عظوفت و مهربانی اسلامی و عدل علی و محمد دم می‌زنند یا ناآگاه هستند و یا دغلكار و شیاد.

به خصوص در اسلام، زن هیچ‌گونه حقی ندارد و در بهترین حالت نیمه انسان محسوب می‌شود. وی موظف است به طور مطلق از پدر، برادر، همسر و مردان دیگر خانواده تبعیت کند.

در دین اسلام، به طور کلی به انسان زن به مثابه کالا نگریسته می‌شود. به او هنگام ازدواج مهریه می‌دهند و حتی زن مسلمان حق ابراز عشق با علاقه به فرد مورد علاقه خود را ندارد و منتظر انتخاب از طرف مرد است و پدر درباره ازدواج وی تصمیم نهائی را می‌گیرد.

صدها نفر از یهودیان بنی‌قریظه پس از اسارت به دست مسلمانان صدر اسلام و پس از شکست مشترکین در جنگ احزاب، اسیر و اعدام شدند. سرهای این عده تماماً به دست علی امام اول شیعیان قطع شد. زنان و کودکان آن‌ها به بردگی و کنیزی مسلمانان درآمدند. برخی از آن‌ها مثل صفیه دختر حی ابن‌خطیب یکی از روسای یهود، به عقد محمد درآمدند. برخی از این زنان و کودکان به یمن فرستاده شدند تا با فروش آن‌ها اسلحه برای مسلمانان خریداری شود...

به این ترتیب، خشونت در اسلام واقعیت غیرقابل انکاری است! امروز حکومت‌ها و گروه‌های اسلامی، هر کدام در حد توان و ظرفیت خود، به معنای واقعی ادامه‌دهنده همان راه محمد و فرمان‌ها و خطابه‌های او هستند که پس از مرگ محمد در کتابی به نام «قرآن» جمع‌آوری شده‌اند.

در اسلام، کودک به ویژه دخترچه‌ها، هیچ حقوقی ندارند. برای مثال، با وجود مخالفان حقوق کودکان و برخی کارشناسان سرانجام لایحه حمایت از کودکان «بی‌سرپرست و بدسرپرست» با ماده چندش‌آور ۲۷ که در آن اجازه ازدواج سرپرست با فرزند خوانده داده می‌شود در مجلس دزدان و متجاوزان حکومت اسلامی ایران، تصویب شد.
به گزارش خبرآنلاین، لایحه اولیه حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در تاریخ هفدهم اسفند سال ۸۷ به مجلس ارائه شده که آن موقع در ماده ۲۴ آمده بود که ازدواج سرپرست با کودک یا کسی که تحت نظارت اوست منوط به اجازه دادگاه خانواده با اخذ نظر کارشناسی مجاز است. در مجلس نهم با نظر مرکز پژوهش‌های مجلس و

کارشناسان با توجه به این که تصریح به امکان ازدواج سرپرست با کودک یا نوجوان که موارد آن بسیار نادر است و با اخلاق عمومی سازگار نیست حذف این ماده پیشنهاد شد.

در این باره محمد اسماعیل سعیدی عضو کمیسیون اجتماعی به خبرنگاران گفته است: اما نمایندگان دولت یعنی مسؤولان سازمان بهزیستی که پیشنهاد این طرح را داده بودند اصرار به تصویب این ماده داشتند چون اعلام کردند که مواردی وجود داشته و اگر در قانون نباشد مشکل پیدا می‌شود.

سرانجام در مرحله اول با یک اصلاحاتی دوباره تصویب شد که «هرگاه سرپرست درصدد ازدواج با فرزند خوانده است باید مشخصات آن را به دادگاه اعلام کند در صورت وقوع ازدواج، سازمان موظف است گزارش ازدواج را به دادگاه اعلام کند تا با توجه به این قانون نسبت به ادامه سرپرستی یا فسخ آن تصمیم اتخاذ شود.»

سپس یک تبصره به آن اضافه شد که ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن با سرپرست ممنوع است. این نظر مجلس بود که به شورای نگهبان رفت اما شورای نگهبان آن را رد کرد و دوباره به مجلس آمد. سرانجام چون از نظر شرع اشکالی نداشت نمایندگان اصلاح کردند و اجازه ازدواج با مصلحت دادگاه داده شد.

این موضوع که به ماده ۲۷ معروف شد مخالفان بی‌شماری داشت و با وجودی که شرع امکان آن را می‌داد اما از نظر عرف و حقوق کودک مشکل‌ساز می‌شود. البته آن گونه که «حسن کیا»، حقوقدان به خبرنگاران می‌گوید تاکنون ۳ مورد از این ازدواج‌ها گزارش شده است اما مشکل ازدواج‌هایی است که ممکن است به صورت غیررسمی باشد.

«فقه‌ها» چه می‌گویند؟ «حجت‌الاسلام محمدرضا درانی، استاد حوزه و دانشگاه در این باره به خبرنگاران می‌گوید: فقها محرمیت را از مجاری صحیح خود جایز می‌دانند و صرف فرزند خواندگی صرف بر محرمیت نیست. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «فرزند خوانده حکم فرزند ندارد و با مرد و زنی که او را بزرگ می‌کنند محرم نمی‌شود، مگر به وسیله رضاع با مراعات شرایط آن و یا ازدواج پس از رشد. قبل از بلوغ با اذن حاکم شرع و رعایت مصلحت طفل عقد موقت اشکال ندارد.»

آیت‌الله مکارم شیرازی هم این‌گونه به سؤال حکم محرمیت فرزند خوانده پاسخ می‌دهد: «در صورتی که دختر باشد راه صحیح این است که با اجازه حاکم شرع او را برای پدر آن مرد عقد موقت کنند و در این صورت به عنوان زن پدر بر آن مرد محرم می‌شود و اگر پسر باشد راهی جز شیر خوردن از خواهر زن یا مادر زن و مانند آن در سن قبل از دو سالگی ندارد.»

در وقایع و اعتراضات سال ۱۳۸۸، تجاوز به زندانیان در زندان‌های حکومت اسلامی، ابعاد اجتماعی پیدا کرد به طوری که حتی برخی مقامات حکومتی نیز به این جنایت اقرار کرده‌اند. بسیاری از دستگیرشدگان سال ۸۸، نه تنها در کهریزک، بلکه در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های دیگر هم مورد تجاوز واقع شدند. برای مثال، به آخوند ابطحی از مشاوران محمد خاتمی که پس از وقایع ۸۸ دستگیر شد بعد از ملاقاتی که با خانواده‌اش داشت مورد تهدید قرار گرفت که اگر اعتراف نکند، به همسر و دخترانش تجاوز می‌شود. مهدی کروبی که دوره خمینی نماینده او در بنیاد شهید بود و بعدها رئیس مجلس شورای اسلامی شد در سال ۸۸، در نامه‌ای به اکبر هاشمی رفسنجانی درباره آزارهای جنسی بازداشت‌شدگان واکنش نشان داده بود. کروبی به همراه موسوی و همسر او ره‌نورد در حصر خانگی به سر می‌برد.

پیش از این نیز برخی از زندانیان سیاسی سابق که از کشتارهای حکومت اسلامی جان سالم بدر برده و به خارج آمده‌اند در خاطرات خود به این تجاوزها اشاره کرده‌اند.

یکی از صدها وحشی‌گری و جنایت در قوانین کیفری حکومت اسلامی ایران، «صیغه دختر باکره قبل از اجرای حکم اعدام» است. چگونه می‌توان چنین جنایتی را علیه انسانی توجیه کرد که قرار است چند ساعت بعد از تجاوز، او را اعدام کنند؟ تنها در چارچوب و قوانین دین اسلام چنین جنایتی توجیه‌پذیر است. اسدالله لاجوردی رئیس وقت زندان اوین که به «جلاد اوین» معروف بود خطاب به دختران زندانی می‌گفت: «فکر نکنید که شما رو باکره اعدام می‌کنیم.»

در کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری، آمده است: «زمانی که بحث اعدام زنان زندانی مطرح شد من اعتراض کردم که دختران را اعدام نکنید، اعدام دختران در اسلام بسیار محدود است و دختران را اعدام نمی‌کنند و امام گفتند خوب به آقایان بگویید دختران را اعدام نکنید و در نهایت اعلام کردند که آیت‌الله منتظری گفته است که دختران را قبل از اعدام صیغه کنید.»

حکومت اسلامی ایران، به معنای واقعی حکومت آپارتاید جنسی است و ایدئولوژی اسلامی و قوانین‌اش زن‌ستیز و آزادی‌ستیز است. از این‌رو، این حکومت سی و شش سال است که به طور سیستماتیک زنان را سرکوب می‌کند. در این میان، تاسف‌بار این است که حتی عده‌ای زن تحصیل کرده که از زور و ستم حکومت اسلامی، ناچاراً به خارج کشور آمده‌اند به اشکال مختلف از جناح اصلاح‌طلب آن دفاع می‌کنند؛ بدون این که حتی به قوانین و سیاست‌های زن‌ستیز حکومت اسلامی که کلیه جناح‌های حکومت از جمله اصلاح‌طلبان و سبزه‌های اسلامی نیز آن‌ها را به رسمیت شناخته‌اند و خودشان نیز دوره‌هایی حامی و مجری آن‌ها بوده‌اند توجه کنند. بنابراین، تا روزی که حکومت اسلامی در قدرت است سرکوب سیستماتیک زنان و شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی و اجتماعی هم ادامه خواهد یافت!

سال‌ها پیش، عشرت شائق، که به عنوان نماینده تبریز وارد مجلس شده بود، دارای تحصیلات حوزه‌ئی و از اداره‌کنندگان جلسات مذهبی زنان بود؛ خبرگزاری کار ایران، ایلنا، درباره اظهارات عشرت شائق نوشت: «نماینده تبریز در مجلس گفت: در خصوص زنان خیابانی خلاء قانونی نداریم و اگر ۱۰ نفر از زنان خیابانی اعدام شوند، دیگر زن خیابانی نخواهیم داشت.»

لاله افتخاری، نماینده از تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو ائتلاف آبادگران ایران اسلامی، درباره برنامه‌های فرهنگی احمدی‌نژاد، به خصوص بحث تفکیک زن و مرد در برخی اماکن را در جهت اجرای احکام اسلامی و توجه به فرهنگ اصیل اسلامی تفسیر کرد و گفت: «تفکیک جنسیتی مهم‌ترین رکن و در رأس مطالبات عمومی است.» افتخاری در گفتگو با ایلنا، افزود: «اجرای تفکیک خانم‌ها و آقایان نیازمند زمان و فرهنگ‌سازی مناسب است و این جداسازی در اماکن عمومی مانند پارک، سینما، قطار، آسانسور، دانشگاه و سایر اماکن برای صیانت از زنان قابل اجراست... هر جا که امکان داشته باشد جداسازی صورت می‌گیرد.»

در ایران خشونت بر علیه زنان تبدیل به جنایت و نظام آپارتاید جنسی و بی‌حقوقی محض نصف انسان‌های جامعه شده است. حجاب اجباری، سنگسار، قتل‌های ناموسی، جداسازی زن و مرد در مدارس و دانشگاه‌ها حتی وسایل نقلیه عمومی، محروم کردن زنان از برخی مشاغل، کرسی‌های قضاوت و وکالت، لغو قانون حمایت خانواده، نمونه‌هایی از اولین اقدامات حکومت اسلامی بود.

از سوی دیگر، همه شواهد نشان می‌دهد که اسیدپاشی‌های اخیر اصفهان، بر خلاف ادعاهای مقامات حکومت اسلامی، که آن را اقدامی «فردی» و «انتقام‌جویانه» معرفی می‌کنند و یا به عوامل «بیگانه» نسبت می‌دهند جنایتی‌ست که توسط عوامل حکومت به صورت برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی شده در جهت تشدید اختناق و ایجاد

رعب و وحشت در جامعه صورت گرفته است. قبل از آغاز اسیدپاشی‌ها، امام جمعه اصفهان و نماینده خامنه‌ای، در خطبه‌های نماز جمعه خود، عوامل مرتجع حکومت را بر علیه زنان تحریک کرده بود. از سوئی نیز این اسیدپاشی رابطه مستقیم با تصویب قوانین جنایتکارانه «طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»، در مجلس آدمکشان و تروریست‌ها دارد. چنین اقدامات جنایتکارانه علیه زنان، از سال ۵۷ و با سرکوب خونین انقلاب آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه مردم ایران آغاز شده، یکی از سیاست‌های پایه‌ای و دایمی حکومت اسلامی بوده است.

به قدرت رسیدن شیخ حسن روحانی، سرکوب زنان تشدید شده و دولت روحانی روزانه به طور میانگین، سه نفر را اعدام می‌کند. در بین اعدام‌شدگان دوره حسن روحانی، دستکم ۲۵ نفر زن هستند.

تکفیر اصطلاحی است دینی، که در اسلام به معنای نسبت کفر دادن به مسلمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اصطلاح در قرآن نیز مصادیق متعددی دارد، از جمله در سوره مائده، آیه‌های ۱۷، ۷۲ و ۷۳ آنانی که که مسیح را خدا پنداشته‌اند مورد تکفیر قرار گرفته‌اند. یا در سوره بقره، آیه ۱۰۲ افرادی که به مردم جادوگری آموخته‌اند نیز مورد تکفیر واقع شده‌اند. پیشینه تکفیر در جهان اسلام، به صدر اسلام بازمی‌گردد، و همواره حربه‌ای در اختیار سران این دین، به منظور مرعوب کردن و سرانجام نابودی مخالفان بوده است.

کتاب تاریخی و سیره به این مسأله پرداخته‌اند که بعد از مرگ محمد پیامبر اسلام، به جز ساکنان مکه و مدینه تقریباً تمام قبایل عربستان منکر اسلام شدند، از این‌رو توسط خلیفه مسلمین مورد تکفیر قرار گرفتند. علت تکفیر آنان از سوی ابوبکر صدیق، به عنوان اولین خلیفه مسلمین و جنگ با آنان را، این دانسته‌اند که آن‌ها اصل اسلام را انکار کرده بودند.

تاریخ طبری، جلد سوم، صفحات ۲۵۰ تا ۲۵۲، همچنین ابن اعثم کوفی، جلد اول، صفحات ۱۵، ۱۶ و ۲۳ می‌نویسند: در این جنگ‌ها دستگاه خلافت معارضان خود را کافر و خارج از دین خواند. در حالی که در باره این که واقعا تمامی یا بعضی از کسانی که در آن دوره تکفیر شده‌اند، از دیدگاه فقه اسلامی کافر بوده‌اند یا خیر، تردید جدی وجود دارد و برخی گزارش‌های تاریخی تردیدهای بسیار در این‌باره، حتی تردید افراد نزدیک به خلیفه را نشان می‌دهد. چوب تکفیر همیشه ابزار نیرومندی در دستان حاکمان دینی و مذهبی، همچنین دست‌اندرکاران دین اسلام بوده، برای زهره چشم گرفتن و سرکوب مخالفین. ابن قتیبه دینوری، تاریخ‌نگار ایرانی‌تبار مسلمان در کتابش اشاره به این مطلب دارد که عواملی مانند ندادن زکات و نپذیرفتن اصل خلافت یا در نظر گرفتن کسانی دیگر برای این مقام، در انتساب کفر به پیروان اسلام، در زمان خلافت ابوبکر، یا دستکم دسته‌هانی از آنان نقش مهمی داشته است. البته رسول جعفریان پژوهشگر شیعی در کتابش می‌نویسد که ادعای پیامبری نیز در میان مخالفان خلافت ابوبکر بسیار گزارش شده است که می‌تواند تکفیر را از دیدگاه فقهی توجیه کند، اما در هر صورت با استفاده از مفهوم تکفیر در اسلام، ابوبکر توانست بسیاری از مخالفین خود را به صورتی بسیار وحشتناک سرکوب و نابود نماید.

ابن‌شهاب زهري، در این زمینه با انتساب به صحیح بخاری و ابوداود می‌نویسد: چون محمد، پیامبر اسلام فوت کرد و ابوبکر جانشین او شد، مردم عرب کافر شدند. عمر بن خطاب به ابوبکر گفت: چرا با مردم می‌جنگی؟ در حالیکه محمد می‌گفت: من مأمورم با مردم بجنگم تا آن که به یگانگی خداوند و رسالت من گواهی دهند و همین که شاهدین را گفتند، جان و مالشان را از ناحیه من در امان داشته‌اند، مگر در مورد حق که حساب آن با خداست. ابوبکر در جواب گفت: به خدا سوگند اگر زکاتی را که به محمد می‌پرداختند، به من نپردازند، گرچه پایبند شتری

باشد، بی‌شک با آنان خواهم جنگید. بنا بر چنین ادعائی، روشن می‌شود که مقوله تکفیر در اسلام، راهکاریست خصمانه، نفرت‌انگیز و ضدانسانی برای خاموش کردن مخالفان و منتقدان.

در عصر حاضر نیز شیوخ ایران، شمشیر تکفیرشان را از رو بسته‌اند بودند و به هیچ‌کس رحم نکرده و نمی‌کنند. از جمله قتل رفیق تقی، پزشکی و نویسنده آذربایجانی که از سوی آخوند فاضل لنکرانی تکفیر شده بود چند سال پیش در باکو به قتل رسید. چهارمین رمان سلمان رشدی، به نام آیات شیطانی که برای نویسنده‌اش، جایزه وایت‌برد را به ارمغان آورد، و در همان سال نیز کتاب به فهرست نهانی جایزه بوکر راه یافت، با تکفیر روح‌الله خمینی، بنیان‌گذار حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی ایران، مواجه شد و خمینی فتوای قتل او را صادر کرد. ماه‌ها پس از انتشار این کتاب و اعتراضاتی که در کشورهایی چون هند و پاکستان علیه رشدی راه افتاد بود خمینی اواسط ماه فبروری سال ۱۹۸۹، رشدی را مرتد نامید و خواهان ترور او شد. او از مسلمانان خواست که او را بکشند تا دیگر کسی جرأت اهانت را پیدا نکند. سپس مؤسسه خیریه‌ای در تهران، برای کسی که رشدی را بکشد جایزه‌ای بیست میلیون تومانی، و یک میلیون دالری برای خارجی‌ها تعیین کرد. به این ترتیب، خمینی تروریسم دولتی را به طور آشکار و با صدای بلند به جهانیان اعلام کرد.

در سال ۱۹۹۱ مترجم آیات شیطانی به جاپانی، هیتوشی ایگاریشی در توکیو با ضربات چاقو کشته شد، و به مترجم ایتالیایی کتاب هم در میلان حمله شد. در سال ۱۹۹۳ ناشر نارونی کتاب مورد حمله مسلحانه قرار گرفت. در همین سال عزیز نسین مترجم کتاب به ترکی در هتلی در شهر سیواس مورد حمله قرار گرفت. هرچند نسین توانست از هتل فرار کند ولی در پی به آتش کشیده شدن هتل ۳۳ نفر کشته شدند، که این واقعه به کشتار سیواس معروف شد.

دفتر نشر نیما که ترجمه فارسی این کتاب را منتشر کرده بود به آتش کشیده شد. نیما نعمتی مدیر این انتشارات بارها تهدید شد. سردبیر مجله خلق چاپ سلیمانیه که بخشی از ترجمه کردی این کتاب را در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده بود هدف حمله مسلحانه قرار گرفت. سردبیر از این حادثه جان سالم بدر برد ولی برمک بهداد مترجم کتاب از آن زمان پنهان شده‌است. چرا که تعدادی از روحانیون سلیمانیه و اربیل حکم قتل وی را صادر کرده‌اند. همچنین در دهه نخست قدرت‌گیری حکومت اسلامی، صدها تن از فعالین سیاسی و فرهنگی در داخل ایران و خارج کشور ترور شده‌اند.

نهایتاً اسلام، هیچ نقدی را تحمل نمی‌کند و جواب سخن و قلم را با گلوله و ترور می‌دهد. همچنین حکومت اسلامی ایران تاکنون با اتکاء به قوانین اسلامی، هزاران نفر را اعدام کرده و یا در زندان‌ها در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار داده است. زنان همواره با سرکوب سیستماتیک حکومت اسلامی روبه‌رو هستند و کودکان هیچ حقوقی ندارند.

سرکوب سیستماتیک زنان و تبعیض جنسیتی ریشه در افکار پوسیده اسلام و مردسالاری دارد. در قرآن، «سوره نساء»، به صراحت آماده است که یک مرد مسلمان می‌تواند ۴ زن به طور رسمی داشته باشد.

اگر زن از شوهر خود تمکین نکند شوهر این حق را دارد که به او ناسزا، بی‌احترامی، و حتی وی را کتک بزند. وقتی در یک خانواده صاحب املاک فوت می‌کند طبق اسلام باید بین فرزندان تقسیم شود که پسر دو برابر دختر ارث می‌برد.

زن حق طلاق ندارد و فقط مرد این اختیار را دارد که آیا مایل هست زن خود را طلاق دهد یا نه.

در دادگاه اسلامی شهادت ۲ زن برابر با شهادت ۱ مرد و دیه زن نصف دیه مرد است، یعنی قیمت جان زن نصف مرد است.

در اسلام، فقط مرد خانه حق دارد که نحوه آزادی عمل، پوشش، رفتار، کردار، معاشرت با دیگران، نحوه اداره خانواده را تعیین کند و زن عملاً هیچ‌گونه حق اعتراض ندارد.

مرد مسلمان وقتی که یک سنگ یا یک زن به جانماز او دست می‌زند باید وضو بگیرد تا مطهر شود.

مرد مسلمان وقتی به مسافرت می‌رود مجاز است با زنی رابطه برقرار کند و می‌تواند هم‌زمان زنان بی‌شماری را یک‌ساعته، یک روزه، هفته‌ای، ماهانه و... صیغه کند. اما زن چنین حقی ندارد. چرا که در صورت انجام چنین کاری زناکار است و باید سنگسار شود.

در دادگاه اسلامی، اگر مردی فقط چهار بار به خداوند قسم بخورد اتهاماتی که به زن خود می‌زند مورد تأیید واقع می‌شود اما زن چنین حقی ندارد و قسم او ارزشی ندارد.

در اسلام به مردان مسلمان وعده داده شده که ۷۰ دختر باکره به آن‌ها داده خواهد شد اما برای زنان چنین خبری نیست.

در اسلام، اگر جنگی رخ دهد و مسلمانان غالب شوند حق دارند کلیه زنان مغلوب را به کنیزی و بردگی و تملک خود در آورند و یا آن‌ها را در بازار برده‌فروشی به عنوان برده بفروشند. کاری که امروز داعش و بوکوحرام انجام می‌دهند و برای این که وحشی‌گری‌های خود را موجه نشان دهند، به درستی به سنت محمد و قوانین اسلامی اتکا می‌کنند.

گروه تروریستی اسلامی بوکوحرام در نیجریه در سال ۲۰۱۴، ضمن پذیرفتن مسئولیت ربودن ۲۷۶ دانش‌آموز دختر مسیحی، اعلام کرد که قصد دارد این دختران را به عنوان برده بفروشد یا به ازدواج اجباری اعضای گروهش وادارد.

رویترز گزارش داد ابوبکر شیکاو، در یک پیام ویدئویی در این‌باره گفت: «من دختران شما را ربودم و آن‌ها را در بازار می‌فروشم، این خواست خداوند است!» ابوبکر شیکاو در این پیام ۵۷ دقیقه‌ای از دخترانی سخن می‌گوید که گروه «بوکو حرام» از مدرسه‌ای در شیبوک، واقع در شمال شرق نیجریه ربوده است. پیش از این گزارش‌هایی منتشر شده بود که بر اساس آن‌ها شماری از دختران ربوده‌شده در آن سوی مرز چاد و کامرون هر کدام با ۱۲ دالر به ازدواج اجباری وادار شدند.

پیش از آن گزارش‌هایی منتشر شده بود حاکی از آن که برخی از این دختران در مرز چاد و در کامرون به مبلغ ۱۲ دالر برای ازدواج فروخته شده‌اند. ۵۳ نفر از دختران دانش‌آموز توانسته‌اند فرار کنند. اما ۲۲۳ نفرشان هنوز در اسارت بوکو حرام هستند. دانش‌آموزان بین ۱۵ تا ۱۸ ساله هستند. بوکو حرام سال‌هاست که برای برقراری یک حکومت اسلامی در منطقه شمال شرقی نیجریه، شمال کامرون و نیجر می‌جنگد. پلیس، ادارات، مدارس و کلیساهای شمال شرق نیجریه از حملات دائمی این گروه در امان نیست. این گروه وحشی، تنها در سال جاری (۲۰۱۵) بیش از ۲۰۰۰ نفر را در یک قتل‌عام کرد که اکثر آن‌ها بیماران، مسن‌ها، زنان و کودکانی بودند که نتوانسته بودند از شهر بگریزند.

دولت نیجریه، هنوز موفق به یافتن ربوده شدگان نشده است. اکنون خشم مردم و خانواده دختران متوجه پولیس و رئیس‌جمهور گودلاک جاناتان شده است که گفت نیروهای ارتش هنوز نتوانسته‌اند اثری از دانش‌آموزان به

گروگان گرفته شده بیابند. این اولین بار نیست که بوکو حرام به مدارس شمال نیجریه حمله می‌کند. سال گذشته هزارن کودک از ترس حملات این گروه از رفتن به مدرسه محروم شدند.

بحران سوریه که از مارچ ۲۰۱۱ آغاز شد، بیشترین لطمه را به مردم غیرنظامی این کشور وارد آورده است. «سوغات» هر جنگی چه داخلی و چه بین کشورها، به هر روی ناامنی، هرج و مرج، غارت و کشتار غیرنظامیان است. یک مسأله دهشتناک جنگ‌ها، سرازیر شدن مردم به سوی مرزها برای نجات جان خود است. آوارگی نتیجه مستقیم جنگ و سرکوب و ناامنی است. زندگی مردم در اردوگاه‌ها با فقر و فلاکت همراه است. فقر و فلاکت در کنار حفاظت از خانواده به بزرگترین دغدغه مردان و زنان سوری در اردوگاه‌ها تبدیل شده است. زنان سوری برای نجات خود و دختران‌شان از گزند مردان اردوگاه یا راهزنان و مردم بومی سعی در یافتن راه جایگزین، برای فرار از شرایط موجود دارند.

شرایط موجود در اردوگاه‌های مردم سوری در اردن، امروز بسیار دردناک است. گزارش‌ها حاکی از آن است که، امروز دختران سوری به صورت علنی در اردوگاه‌های آوارگان خرید و فروش می‌شوند. جنگ و آوارگی به سودجویان جسارت ورود به حوزه کرامت انسانی را داده تا آن را به ابتذال بکشانند. نابسامانی اجتماعی و اقتصادی در کنار پول نفت، فضا را برای بهره‌کشی از انسان‌ها به حداکثر رسانده است.

گزارش سازمان‌های بین‌المللی حاکی از آن است که حمله به اردوگاه‌های آوارگان، ربودن و تجاوز به زنان و دختران بدون توجه به سن و سال آن‌ها، به امری عادی بدل شده است. از این‌رو، سریع‌ترین و شاید تنها ترین راه برای دختران، یافتن همسر و به نوعی تسلیم خود در ازای خرید امنیت و آبرویشان است.

شرایط موجود باعث شده، شیوخ ثروتمند عربی با ایجاد ارتباط با مراکز به اصطلاح خیریه در نزدیکی این اردوگاه‌ها، نمایندگانی برای یافتن دختران کم سن و سال و زیبا استخدام کنند؛ تا برای مدتی کوتاه آن‌ها را به عقد خود در آورده و سپس رها کنند و سراغ دختر دیگر بروند. سوءاستفاده جنسی از دختران سوری امروز شرایط را برای سازمان‌های حقوق بشری بسیار دشوار ساخته است. چرا که این رفتار در چارچوب ازدواج و نیز با رضایت طرفین صورت می‌گیرد.

فروش دختران در ازای عقدهای مدت دار که در هیچ دفتری به صورت رسمی ثبت نمی‌شود و هیچ ارزش حقوقی نیز ندارد، برای خانواده این دختران نیز به نوعی راه فرار است. چرا که در قبال این ازدواج آن‌ها می‌توانند پول مورد نیاز برای فرار از شرایط موجود را دریافت، و برای همیشه خود و دیگر اعضای خانواده‌شان را نجات دهند. گزارش‌ها از ازدواج دختران ۱۲ تا ۱۶ سال با مردان بالای ۶۰ سال خبر می‌دهند. که این دختران را برای مدت یک تا دو ماه به عقد خود در می‌آورند و سپس رها می‌کنند. این دختران نیز گاهی چاره‌ای جز پذیرش ازدواج بعدی را ندارند.

سازمان‌های مدافع حقوق بشر، از این شرایط با نام «برده‌داری جنسی» یاد می‌کنند که نتیجه‌ای جز به فساد کشیدن زنان و دختران در سنین پائین ندارد.

پس از این که داعش شهر موصل را در کردستان عراق را اشغال کرد و هنوز هم این شهر را در اشغال خود دارد خلافت اسلامی یا همان گروه تروریستی اسلامی داعش، طی بیانیه‌ای از مردم موصل خواستند تا دختران خود را به جهاد نکاح با عناصر این گروه وادار کنند.

گفته می‌شود نیروهای بی‌رحم و خشن داعش، در شهر موصل دادگاهی را تشکیل داده و کسانی را که از ازدواج دختران‌شان با اعضای داعش جلوگیری می‌کنند، مجازات می‌کنند. همچنین تاکنون چندین زن پس از مجبور شدن

به جهاد نکاح با تروریست‌ها در موصل، خودکشی کرده‌اند. جهاد نگاه اصطلاحی است که بیش از ۲ سال پیش مصطلح شد. این اصطلاح اولین بار از سوی یک مفتی وهابی از کشور تونس مورد استفاده قرار گرفت. این مفتی سلفی از دختران و زنان عرب برای تأمین نیازهای جنسی تبهکاران مسلح اسلامی که علیه حکومت سوریه می‌جنگند، به خاک سوریه بروند.

بسیاری از مفتی‌های وهابی دیگر کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی نیز بعد از آن در اظهارنظرهای مختلفی از چنین فتوایی حمایت کرده و خواستار افزایش جهاد نکاح زنان شدند.

«محمد العریفی» از مفتی‌های سرشناس وهابیت عربستان نیز با صدور فتوایی، اعلام کرد که حتی زنان شوهردار هم می‌توانند تن به جهاد نکاح بدهند.

چندی پیش نیز شیخ «ناصر العمر» از شیوخ سلفی سعودی با صدور فتوایی جدید، «جهاد نکاح با محارم» را نیز حلال اعلام کرد. بر اساس فتوای او، اگر نیروهای داعش دختر یا زنی برای نزدیکی با وی پیدا نکردند، می‌توانند با محارم خود این کار را انجام دهند.

به نوشته سایت الجزیره، دختری ۱۹ ساله که خود را عشا معرفی می‌کند، یکی از این زنان است که پس از اعدام شوهرش از سوی تبهکاران گروه «خلافت اسلامی» (داعش) همراه با فرزند خردسالش به اسارت گرفته شده و در نهایت با کمک تعدادی از مردم موصل موفق به فرار شده و اکنون در شهر اربیل عراق به سر می‌برد.

او شرایط زنان ایزدی را که در اسارت جنگجویان داعش هستند، این‌گونه توصیف می‌کند: «هریک زن ایزدی به ۱۰ تبهکار گروه «دولت اسلامی» داده می‌شود، ما را در ازای ۱۰ تا ۱۲ دالر می‌فروشدند. آن‌ها حیوانات و هیچ بونی از انسانیت نبرده‌اند. به خاطر آن‌ها است که من حتی لحظه‌ای احساس آرامش نمی‌کنم.»

بسیاری از زنان ایزدی که توانسته‌اند از چنگ شبه‌نظامیان اسلامی داعش بگریزند اکنون در کردستان عراق به سر می‌برند اما همچنان نگران خواهران و یا مادرانشان هستند که در اسارت این گروه به سر می‌برند.

دختر دیگری که صورت خود را پوشانده می‌گوید: «سه روز پیش با مادرم صحبت کردم، او موبایلش را پنهانی با خود برده است تا بتواند با ما در ارتباط باشد. اگر پیکارجویان داعش آن را پیدا کنند به معنی مرگ او است. حتی فکر می‌کنم آن‌ها تلفن خواهرم را پیدا کرده و او را کشته‌اند، زیرا از ۱۲ روز پیش تاکنون از او خبری ندارم.»

در گزارشات رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی آمده است که گروه تروریستی داعش، حدود ۳۰۰ دختر و زن ایزدی را که پیش‌تر در عراق ربوده بود، در میان اعضای خود به عنوان اسرای جنگ با کفار تقسیم کرد.

بر اساس این گزارشات، عناصر داعش این دختران ربوده شده را با دریافت ۱۰۰۰ دالر به دیگر عناصر این گروه در سوریه فروختند. گفته می‌شود دست‌کم ۲۷ مورد از این دختران به عناصر داعش در ریف حلب، رقه و حسکه فروخته شده است.

داعش در شهر موصل بازار فروش زنان ایرادی را راه انداخته است و با انتشار پوستری قیمت آن‌ها را نیز تعیین کرده است. در پوستر دیواری ورودی به بازار فروش دختران و زنان ایزدی، چنین نوشته شده است:

دختر از جنوری تا سپتمبر سال: ۲۰۰،۰۰۰ دینار (۱۳۸ یورو)

زن ۱۰ تا ۲۰ سال: ۱۵۰،۰۰۰ دینار (۱۰۴ یورو)

زن ۲۰ تا ۳۰ سال: ۱۰۰،۰۰۰ دینار (۶۹ یورو)

زن ۳۰ تا ۴۰ سال: ۷۵،۰۰۰ دینار (۵۲ یورو)

زن ۴۰ تا ۵۰ سال: ۵۰،۰۰۰ دینار (€ ۳۵)

زنان بالای ۵۰ سال به بازار عرضه نمی‌شوند. چرا که خریدار چندان ندارند. جزئیات سرگرم‌کننده برای مردان مرتجع خریدار این انسان‌ها، دندان‌های با کیفیت، رنگ چشم، باسن سفت، قفسه سینه و ... آن‌هاست. خریدار پس از انتخاب، با فروشنده وارد مذاکره و چانه‌زنی بر سر قیمت می‌شود.

بیش‌ترین مشغله فکری محمد و یاران و جانشینان او، رسیدن به ثروت و قدرت و سکس از هر راهی بوده است. از این‌رو، همه گروه‌ها و حکومت‌های اسلامی از دوره محمد تاکنون، همواره به این مشغله و سنت محمد تکیه می‌کنند تا هرگونه خشونت، جنگ، غارت، قتل‌عام، تجاوز و کودک‌آزاری و زن‌ستیزی را توجیه کنند.

برای مثال آیت‌الله محمدرضا نکونام، یکی از مدرسان حوزه علمیه قم و «بزرگان و اندیشمندان» حکومت اسلامی، در تارنمای خود مدعی شده، زنانی که دارای باسن‌های بزرگی هستند، از زنان باسن کوچک، نجیب‌ترند و شایستگی بیشتری برای همسری دارند!

آیت‌الله محمدرضا نکونام، در تارنمای خود نوشته است؛ میان مسلمانان ناهنجاری‌های بسیاری در آمیزش‌به‌ویژه در جانب‌زن‌به‌چشم‌می‌خورد و مشکل را پرداختن مردم به امور فرعی و بازماندن از «مسائل حیاتی و امور اصلی» دانسته‌اند، که در نتیجه بسیاری از ازدواج‌ها ناکام مانده‌اند!

به گفته این «اندیشمند بزرگ؟!»، حکومت جهل و جنایت اسلامی ایران، «مسائل حیاتی و امور اصلی» که اکنون فراموش شده بدان توجه شود، گفته است:

- پیامبر صلی‌الله علیه و آله وسلم فرمودند: با دوشیزگان (باکره) ازدواج کنید؛ زیرا آنان دهانی خوش‌بوتر و نفسی‌گوارتر دارند و در حدیث‌دیگر آمده است: و رحم‌هایی نطفه‌پذیرتر و پستان‌هایی تردتر و سرشارتر و زایمانی‌بیش‌تر و راحت‌تر دارند.

- امام موسی کاظم علیه‌السلام فرمود: با زنان بزرگ‌باسن ازدواج کنید؛ بی‌تردید آنان نجیب‌ترند.

- امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: با زنان گندم‌گون، گشاده‌چشم، بزرگ‌باسن و میان‌اندام ازدواج کنید؛ اگر از چنین انتخابی ناخرسند شدید، مهر آن را من‌به‌عهده می‌گیرم.

- پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله وسلم هرگاه می‌خواستند زنی را به ازدواج خود در آورند، زنی را نزد خانم‌مورد نظر می‌فرستادند و به او می‌فرمودند: گردنش را ببوی؛ اگر خوشایند بود، آن زن خوش‌بوست و به برآمدگی‌پایش بنگر؛ اگر پوشیده از گوشت بود، آلت جنسی‌اش بزرگو و درشت است.

- امام صادق علیه‌السلام فرمود: من کنیزان سفید و گندم‌گون را آزمودم؛ میان آنان تفاوت است. تفاوت سفید بور و گندم‌گون به جهت سستی‌اولی و مقاومت بسیار دومی در امور جنسی و ایستادگی در مقابل تعدی دیگران می‌باشد.

- پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله وسلم فرمودند: با زنان کبود چشم ازدواج کنید؛ بی‌تردید چنین وصلتی‌گشایش و برکت را به همراه دارد.

- امام کاظم علیه‌السلام فرمود: خوش‌بختی‌مرد در آن است که همسر سفیدگون نصیبش گردد و جامه از چنین اندامی برگیرد.

- «امام صادق علیه‌السلام فرمود: زن زیبا چهره، سستی و بلغم (ترشحات بدن) را برطرف می‌سازد و زن زشت روی در انسان ترش‌روئی و سودا را بر می‌انگیزد.

در عربستان سعودی زنان بی‌حقوق‌تر از کشورهای دیگر هستند. یکی از دختران پادشاه عربستان که گفته بود پدرش، او و خواهرانش را در خانه زندانی کرده توانست با جهان خارج ارتباط برقرار کند.

به نوشته روزنامه دیلی میل، در فروردین ماه ۱۳۹۳، سحر، بزرگترین دختر ملک عبدالله، پادشاه عربستان فاش ساخت، زنان به دستور پدر او گرسنگی کشیده و ضرب و شتم می‌شوند. ملک عبدالله اخیراً فوت کرد. سحر ۴۲ ساله، که در اسارت به سر می‌برد، یک زندگی مرفه و مجلل داشته است. وی توانسته با یک تماس تلفنی محرمانه با نشریه نیویورک پست امریکا ارتباط برقرار کند.

سحر گفت: ما در اینجا تنها و منزوی و زندانی هستیم. ما گروگان هستیم. هیچ‌کس نمی‌تواند به دیدن ما بیاید و ما نیز نمی‌توانیم به دیدن کسی برویم.

پدر ما مسؤول است و پسران او و برادران ناتنی ما در این تراژدی همدست هستند. سحر عنوان کرد که پدرش از آن جهت او و سه خواهرش، جواهر، حلا و مها را زندانی کرده که آن‌ها علیه بی‌عدالتی و نابرابری در قبال زنان در عربستان انتقاد کردند.

مادر این دختران که در تبعیدی خود خواسته به لندن فرار کرده از ادعاهای دخترانش حمایت کرده و نسبت به امنیت آن‌ها اظهار نگرانی کرد.

العنود الفانز، همسر ملک عبدالله و مادر سحر به نیویورک پست گفت: آن‌ها زمانی در عربستان یک زندگی عادی داشتند اما آن‌ها ذهنیتی باز دارند و پدر آن‌ها از این موضوع متنفر است.

وی افزود: آن‌ها نگران مشکلات زنان در عربستان و سراسر جهان عرب هستند. بی‌عدالتی‌هایی که ما می‌بینیم وحشتناک هستند و باید کسی چیزی بگوید. دختران پادشاه عربستان می‌گویند که ضرب و شتم شده و گاهی آب و غذا به آن‌ها داده نمی‌شود و در یکی از املاک سلطنتی زندانی هستند.

همچنین گاهی برق و آب ساختمان محل اقامت آن‌ها برای چند روز یا چند هفته قطع می‌شود و گاهی آن‌ها را جدا از هم در دو اتاق نگه می‌دارند.

سحر تأکید کرد: ما دیگر انرژی نداریم و تمام تلاش‌مان را می‌کنیم که زنده بمانیم. او گفت که مردان محارم آن‌ها از جمله برادران ناتنی آن‌ها را با باتوم کتک می‌زنند و اتاق‌های آن‌ها بسیار گرم و پر از حشرات موذی است. مادر آن‌ها نیز گفت که همسر سابق وی می‌خواهد این دختران بمیرند. وی به نیویورک پست گفت این ساختمان زمانی خانه ما بود اما اکنون یک قفس است. پادشاه عربستان می‌خواهد آن‌ها مرده باشند و در مقابل مرگ آن‌ها را ببیند اما باز هم وقوع این اتفاقات را تکذیب می‌کند. الفانز هنگام ازدواج با ملک عبدالله تنها ۱۵ سال داشت در حالی او در دهه ۴۰ زندگی خود بود اما یک دهه بعد از آن از او طلاق گرفت.

به گفته سحر پادشاه عربستان که ۳۸ فرزند و تعداد نامعلومی همسر دارد چهار دخترش را همراه با الفانز تحت کنترل سه تن از برادران ناتنی آن‌ها قرار داده بود.

پس اسلام آن‌گونه که به اصطلاح روشنفکران دینی و روحانیون ادعا می‌کنند به هیچ‌وجه دین اسلام، به هیچ‌وجه دین رحمت و بخشش نیست. والا محمد باید بعد از پیروزی بر مشرکین و اسارت یهودیان آن‌ها را قتل‌عام نمی‌کرد.

- در اسلام، اعدام اسراء مباح است.

- در اسلام به بردگی و کنیزی بردن اسراء، مباح و پسندیده است،

- در اسلام فروش زنان و کودکان اسراء مجاز است،

جنگ‌های محمد، به ویژه با یهودیان بسیار وحشیانه بود. «سیدجعفر شهیدی»، می‌نویسد: «با تغییر قبله از بیت-المقدس به مکه پیوند مسلمانان با یهودیان بریده شد و آنان از این جهت خشمگین و ناراحت شدند و آماده کارزار با مسلمانان گردیدند.» ناراحتی یهود از تغییر قبله مسلمانان، به حدی بود که عده‌ای از اشراف یهود، نزد رسول

خدا(ص) آمدند و از او خواستند تا قبله را به سمت بیت‌المقدس بازگرداند. آنان گفتند: اگر قبله را بازگرداند از او پیروی خواهند کرد.» در جواب این درخواست و بنا به ادعای محمد، خداوند آیه ۱۴۵ سوره بقره را نازل کرد. در این آیه آمده است:

«و اگر هرگونه معجزه‌ای برای اهل کتاب بیاوری (باز) قبله تو را پیروی نمی‌کنند، و تو (نیز) پیرو قبله آنان نیستی، و خود آنان پیرو قبله یکدیگر نیستند، و پس از علمی که تو را (حاصل) آمده، اگر از هوس‌های ایشان پیروی کنی، در آن صورت جدا از ستمکاران خواهی بود.»

آیه ۲۶ سوره نساء:

«... و چون به نزد تو آیند، تو را بدان چه خدا به آن (شیوه) سلام نگفته سلام می‌دهند و در دل‌های خود می‌گویند: چرا به آن‌چه می‌گوئیم خدا ما را عذاب نمی‌کند؟»

هر کسی که کوچک‌ترین انتقادی به مواضع محمد می‌کرد باید سریعاً سر به نیست می‌شد. گفته می‌شود یکی از افرادی که مردم (یهود) را بر علیه محمد و مسلمانان تحریک می‌کرد، «ابوعفک» بود. او با همین هدف بر علیه محمد اشعاری سرود. «سالم بن عمیر» نذر کرد که ابو عفک را بکشد یا در این راه کشته شود و سرانجام هم رفت و او را کشت. پس از ابو عفک «عصماء بنت مروان» شروع به انتقاد از اسلام و مسلمانان کرد و انصار را به خاطر تبعیت از پیامبر سرزنش کرد. بر علیه محمد شعر گفت تا این که یکی از مسلمانان شبی او را به قتل رساند. در این که قتل ابو عفک و عصماء، در تحریک یهود به پیمان‌شکنی بیش‌تر، تأثیر داشته است یا خیر، مطلبی در منابع به چشم نمی‌خورد.

همزمان با حمله داعش به کردستان عراق و انتشار اخبار و تصاویر قتل عام کردهای پیرو آئین ایزدی در شنغال و مسیحیان در قره‌قوش، محاصره و قطع راه‌های رسیدن آذوقه و هرگونه امکانات زنده‌ماندن به شهروندان شهرک ترکمن‌نشین «آمرلی» در استان دیاله، جنایت آن‌ها در روستای ایزدی‌نشین «کوچو» در ۱۸ کیلومتری شنغال که به قتل عام همه مردان روستا و به اسارت گرفتن زنان و کودکان انجامید و سرانجام بریدن سر پیشمرگ اسیر و روزنامه‌نگاران امریکائی، شماری از امامان جماعت اهل سنت در کردستان ایران، در دفاع از سیاست‌های حکومت اسلامی در برخورد به این جریان، موضع‌گیری کردند و ادعا نمودند عملکردهای داعش در تناقض با بنیادهای فکری دین اسلام و مذهب است.

این عوامل حکومت اسلامی، در واقع به بهانه جنایات داعش، تلاش کردند تا اسلام و مذهب تشیع را تبرئه کنند و بر سی و پنج سال جنایات حکومت اسلامی، سرپوش بگذارند. در حالی که داعش هنوز تنها گوشه‌هائی از وحشی‌گری‌های اسلامی و حکومت اسلامی ایران را به نمایش گذاشته است. به علاوه روشن است که جنایت‌های داعش، دقیقاً منطبق با اسلام و آموزش‌های اسلامی و قرآنی است. جنایت‌هائی را که داعش در ماه‌های اخیر مرتکب شده و دست به جنایت جنگی زده است، دقیقاً منطبق با این آموزه هاست.

داعش ایزدی‌ها در شنغال را کشتار کرد؛ محمد هم فرمان گردن‌زدن مردان قبیله بنی‌قریظه در مدینه صادر کرد که در یک روز ۷۰۰ تن از مردان این قبیله گردن زده شدند. آیا این دو جنایت علیه بشریت، چه تفاوتی با همدیگر دارند؟ تنها تفاوت آن‌ها در تاریخ و زمان ارتکاب جرم است. محاصره «آمرلی»، با محاصره قبایل «بنی قینقاع» و «بنی نظیر» در مدینه چه تفاوتی با همدیگر دارند؟ آن‌جا رهبری با محمد بود اما این‌جا با البغدادی. قتل عام مردان روستاهای قارنا و ایندرفاش در کردستان ایران توسط دار و دسته ملاحسنی، چه تفاوتی با کشتارهای علی دارد؟ محاصره سندیج و کشتار مردم بی‌گناه و بی‌دفاع توسط ارتش و سپاه پاسداران و دیگر گروه‌های مرتجع و آدمکش

حکومت اسلامی ایران، چه تفاوتی با محاصره و کشتار مردم کویانی دارد؟ ترورهای سیاسی حکومت اسلامی، چه تفاوتی با ترورهای داعش دارد؟ همه این جنایات‌ها و کشتارها با اتکا به بربریت اسلامی و در راستای منافع طبقه حاکم وقت صورت می‌گیرد.

یکشنبه بیست و ششم بهمن [دلو] ۱۳۹۳ – پانزدهم فروری ۲۰۱۵

ادامه دارد.